
اسیر سیاست

درس انتقاد و اعتراض در آثار

احمد شامله و فروغ فرخزاد

محمد طاهر شیراوند



انتشارات ارادمان

سرشناسه	: شیراوند، محمدطاهر، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسیر سیاست: (بررسی انتقاد و اعتراض در آثار احمد شاملو و فروغ فرخزاد) / محمدطاهر شیراوند.
مشخصات نشر	: تهران: آرادمان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۴ ص.
شابک	: 978-600-8099-13-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: (بررسی انتقاد و اعتراض در آثار احمد شاملو و فروغ فرخزاد).
موضوع	: شاملو، احمد، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ - نقد و تفسیر
موضوع	: Shamlu, Ahmad -- Criticism and interpretation :
موضوع	: فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۵ - نقد و تفسیر
موضوع	: Farrokhzad, Forugh -- Criticism and interpretation :
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism:
رده‌بندی ننگره	: ۱۳۹۵ ۸۴۷۲ ۸۵ الف/۱۱۴ PIR
رده‌بندی ده	: ۸۱۶/۶۲
شماره‌ی کتابشناسی	: ۴۳۶۴-۲۲



انتشارات آرادمان

اسیر سیاست

(بررسی انتقاد و اعتراض در آثار احمد شاملو و فروغ فرخزاد)

- مؤلف: محمدطاهر شیراوند
- ناشر: آرادمان
- اجرا و امور فنی: ف. فرقانی
- طرح جلد: حمیدرضا بیدقی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
- نشانی: تهران صندوق پستی ۱۸۷ - ۱۳۳۵۵

www.aradman.ir

instagram&telegram: @aradmanpub

- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۲۵۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: فرسیما

شابک ۷۸-۶۰۰-۸۰۹۹-۱۳-۰ ۹۷۸-600-8099-13-0 ISBN

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: تصویری از احمد شاملو	۹
تصویری از شاملو	۹
فصل دوم: انتقاد و اعتراض در آثار احمد شاملو	۱۳
انتقاد و اعتراض سیاسی	۱۳
انتقاد و اعتراض اجتماعی	۴۲
انتقاد و اعتراض نسبت به سنت	۵۴
انتقاد و اعتراض نسبت به تباهی ارزش‌ها	۶۰
انتقاد و اعتراض نسبت به خویشتن خویش	۶۳
فصل سوم: کامل اشعار بررسی شده احمد شاملو	۶۷
اشعار احمد شاملو	۶۹
فصل چهارم: تصویری از فروغ فرخزاد	۱۹۱
تصویری از فروغ	۱۹۱
فصل پنجم: انتقاد و اعتراض در آثار فروغ فرخزاد	۱۹۵
انتقاد و اعتراض سیاسی	۱۹۵
انتقاد و اعتراض اجتماعی	۱۹۸

انتقاد و اعتراض نسبت به تباهی ارزش‌ها ۲۰۱

انتقاد و اعتراض نسبت به قدرت پدر سالار ۲۰۶

انتقاد و اعتراض نسبت به سنت ۲۱۷

فصل ششم: کامل اشعار بررسی شده فروغ فرخزاد ۲۲۱

اشعار فروغ فرخزاد ۲۲۳

منابع ۲۹۳

www.ketab.ir

مقدمه

اگرچه نفس هنر، خود به خود در هنرمند تعهد ایجاد می‌کند، یعنی تعهد نسبت به خود هنر، اما در بعضی هنرمندان تعهد دیگری نیز ایجاد می‌کند که تعهد به اجتماع و انسان و انسانیست و «ولاً هنرمند متعهد به این نوع هنرمندان اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر:

«مدت‌هاست دریافته‌ایم که هنر یک ری‌ماده» شخصی بی‌نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند. اما این نکته یکی از جنبه‌های مسئله است. جنبه‌ای دیگر این است که باید از خود بپرسیم، آیا این رابطه دوسویه نیست و آیا هنر یک فرآورده‌ی زندگی جمعی انسان نیست و سرنوشت آن وابسته به سرنوشت جوامع انسانی نیست؟»^۱

لیکن جدای از آن که هنر را، و در اینجا شعر را، کارکردی به‌مدام داریم؛ یعنی آن‌را تا حد یک ابزار برای اهداف اجتماعی پایین بیاوریم و محدودش کنیم باید یادآور شد که اگر هنرمند برخاسته از بطن اجتماع باشد و با دردها و آمل اجتماع آشنا باشد، خود به خود، در آثارش رگه‌هایی از دردهای اجتماعی به‌چشم می‌خورد. این‌گونه، او در انتقادهای سودمند برای اصلاح جامعه، پیشرو و پیشگام خواهد بود.

در این عرصه، شاعر وقتی که بتواند خود را از بیان شخصی و محدود خویشتن رهایی بخشد و اگر تصویرگر صرفاً جنبه‌هایی محدود و سطحی از احساس و عواطف

خود نباشد، می‌تواند تصویرگر جامعه‌اش شود. تصویرگر جامعه بودن، یعنی درگیری شاعر با مسائل و معضلات اجتماعی و سیاسی، درگیر شدن با قدرت - قدرتی که فساد می‌آورد - و درگیری و انتقاد و اعتراض نسبت به تک‌روی و به عبارتی مبارزه با تک‌گویی یا مونولوگ^۱. چراکه عرصه‌ی هنر و شعر، عرصه‌ی گفت‌وگو و دیالوگ^۲ است و دیالوگ یعنی ارزش برای دیگری و دیگران و این یعنی رهایی شاعر از احساسات رمانتیک‌گونه و درواقع خودخواهانه‌ی خود و بیان و پژواک تصویر اجتماع در آرش. هنگامی که هنرمند این‌گونه باشد، اثرش خود به خود، به‌سوی انتقاد و اعتراض فردی و اجتماعی پیش می‌رود و بدین‌سان، او دیگر مهره‌ای بی‌اثر نیست.

فرخنده فرخنده در این باره می‌گوید:

«ملاحظه کنید، رعایت بعضی قواعد و رسوم، شرم و شهرت‌طلبی، دیوارهایی هستند که بر آید شاعر از کشیده شده‌اند. او در اندیشه‌ی طغیان و شورش بر ضد عوامل فساد و انحلال جامعه‌اش نیست؛ زیرا برای او، تنها داشتن عنوان شاعری، کافی است.»

پس هنوز «شاعر بودن» به معنای ذاتی تا حدودی کافی؛ اما این‌گونه هنرمند بودن، طبیعتاً خنثی‌بودگی هنرمند است و پس از بریده از اجتماع و ساختار آن است. در نتیجه، به عضوی می‌ماند قطع شده و به عبارت دیگر، وقتی هنرمند در دام ملاحظه‌کاری و رعایت بعضی قواعد و رسوم، به عضو جامعه جدا شده، به تبع، هنرش بی‌خون، خاموش و لال خواهد ماند در صورتی که شعر و هنر تپنده، برساخته‌ی ذات اجتماعی هنرمند است. یعنی ساختار شعر ناچاره ماندگار، عجین شده با ساختار اجتماعی است که شاعر در آن بالیده است.

پس اگر هنرمند و در اینجا شاعر، در ارتباطی ارگانیک و زند با جامعه‌اش باشد، مطمئناً صدای فرد فرد آن اجتماع از واژه‌ی شعرش به گوش خواهد رسید. به عبارت دیگر، گره‌خوردگی با اجتماع و قطره‌ای از آن بودن، نوعی تپندگی اجتماعی در شعر پدید می‌آورد. بنابراین، شاعر در شعرش نمی‌تواند چیزی به جز اجتماع باشد.

به همین سبب، او منتقد اجتماع می‌شود. از منظر اجتماع نیز منتقد و معترض خود و فردیت خویش و سایر قدرت‌هایی می‌شود که در اجتماع مستحیل نیستند، بلکه بر آن حکم می‌رانند، از آن سوءاستفاده‌ی ابزاری می‌کنند و سعی دارند فریب‌اش دهند و استعمار و استعمارش کنند. اینجاست که هنرمند بایستی به گونه‌ای، باز نمود واقعیات جامعه را در آثار خود آرایه دهد. به اعتباری، واقعیت اثر از واقعیت جامعه‌ای باز نموده می‌شود که هنرمند در آن زیست دارد. پس نکته همان است که از دیدگاه گئورگ لوکاچ، از تاب نامیده می‌شود؛ یعنی فعلیت یافتن واقعیت در اثر هنری. یک اثر واقعاً، با انگاره‌های تناقض‌های پنهان در یک نظام اجتماعی را آشکار سازد. دیدگاه لوکاچ از جهت پافشاری بر ماهیت مادی و تاریخی ساختار جامعه، مارکسیستی است.

در اینجا با دیدگاه مارکسیستی لوکاچ کاری نداریم یا اینکه او اساساً به محتوا می‌اندیشد یا نه، بلکه نظر از آینه نظر او، بحث از باز نمود اثر هنری است که به نظام اجتماعی برمی‌گردد؛ به این صورت که شاعر به عنوان یک فرد خلاق و مبتکر، به بیان آلام اجتماعی می‌پردازد. نه اینکه او صرفاً دریچه‌ای منفعل باشد که اجتماع بر او تأثیر بگذارد و مخاطبان از آن دریچه، جلوه‌گری آن آلام باشند. بلکه او هر تصویر خالی را از صافی حساس خود می‌دراند تا آن را از خامی در آورده، گذاشته، شفاف و برآ تحویل دهد.

از این منظر، «احمد شاملو» و «فروغ فرخزاد»، در بین شاعرانی هستند که رویکردی اجتماعی به شعر دارند و گزنده‌ترین ساحات و زوایای زندگی عصر خود را درمی‌یابند.

شاملو و فرخزاد شاعر زمانه‌ی خویش هستند. با رهیافتی نو از شعر و ارزش که برای واژه قایل می‌شوند، سعی در ساختن دنیای ویژه و واقع‌بینانه‌ی انسان معاصر ایرانی دارند. به همین سبب است که شعرشان، فریاد معترض انسان معاصر به طور کلی و انسان ایرانی به شکل خاص است.

از همین منظر، در این کتاب، به بررسی آثار شاملو و فرخزاد که شعرشان، هم در

شکل و هم در چگونگی پرداختن به محتوا، از دیگر شاعران برجسته‌تر است، پرداخته شده و سعی بر آن شد تا با توجه به محتوای گسترده آثار این دو شاعر معاصر، به جلوه‌های گوناگون، متمایز و متفاوت اعتراض آنها و نوع و شیوه‌ی بیانشان نسبت به مسائل مورد انتقاد پرداخته شود. پیش از مباحث اصلی، برای شناخت ضمنی و کلی این دو شاعر، تصویری کلی و مختصر از زندگی و آثار آنها ارایه شده است و سپس آثار آنها از لحاظ انتقاد و اعتراض نسبت به سیاست کشور، انتقاد و اعتراض اجتماعی، انتقاد و اعتراض نسبت به سنت، تباهی ارزش‌ها و... مورد بررسی قرار گرفته است.

محمدطاهر شیراوند